

## باز شناخت فرهنگ هندسه به عنوان کالبد معماری با بررسی بناهای اطراف میدان نقش جهان اصفهان

جواد دیوانداری<sup>۱\*</sup> محمد فتاح پور<sup>۲\*</sup>

۱- استادیار گروه معماری دانشگاه کاشان (j.divandari@gmail.com)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه کاشان (fattahpour2009@gmail.com)

### چکیده:

هندسه و تناسبات هندسی و ریاضی؛ از ابتدا به عنوان ابزار هایی برای معماران مطرح بوده اند. معماران و سازندگان از این ابزار ها برای وحدت بخشی و دادن پایداری به بناهای خود استفاده میکردند. در گذر زمان استفاده از این تناسبات نوع کامل تری یافته و بصورت بهتر و دقیق تری بکار رفته است. تناسبات طلایی به عنوان عامل زیبایی بناها به کار گرفته شدند و جلوه ای جدید به ساخت و ساز و سازه ها دادند. بناهایی که در دوران پس از اسلام ساخته شدند، هندسه را بصورت ظریف تری بکار بردند و اوج استفاده از تناسبات را در دوران صفوی میتوان جستجو کرد. میدان نقش جهان به عنوان شاخص ترین مجموعه ساخته شده در این دوران؛ دارای تناسبات منحصر به فردی است و بناهای قرار گرفته در آن نیز از این نظم تبعیت میکنند. برای شناخت این نظم؛ در این مقاله به روش مطالعه موردی؛ بناها مورد بررسی قرار گرفته اند. روش تحقیق ترکیبی از روش کمی و کیفی است و مطالعات کتابخانه ای در کنار تحلیل های هندسی عددی قرار گرفته اند. اهمیت بررسی چنین تناسباتی آن است که امروزه بخاطر سردرگمی و بی هویتی بوجود آمده پس از هجرت مدرنیسم به شهر های تاریخی؛ ساخت و ساز ها به سمتی رفته اند که تمامی پایه ها و ریشه های فرهنگ ایرانی را از بین ببرند و در صورت عدم باز شناخت این پایه ها؛ به زودی شاهد از محلال و فراموشی فرهنگ غنی ایرانی خواهیم شد؛ چه آنکه تا کنون بسیاری از بناهای ارزشمند ایرانی اسلامی ما در پرده ی نوسازی و تجدد به تلی از خاک تبدیل شده و بناهای بی هویتی جای آنها را گرفته است.

واژه های کلیدی: هندسه، تناسبات، فرهنگ، نسبت طلایی، اصفهان، ایران، میدان نقش جهان.